

محمد الفأسي (م. ۸۳۲ق.)، به كوشش مصطفی محمد، مکه، النهضة الحديثه، ۱۹۹۹م؛ **مراسد الاطلاع**: صفی السدين عبدالمؤمن بغدادی (م. ۷۳۹ق.)، بيروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق؛ **مروج الذهب**: المسعودی (م. ۳۴۶ق.)، به كوشش اسعد داغر، قم، دار الهجره، ۱۴۰۹ق؛ **المسالک و الممالک**: ابويعيد البكري، به كوشش ادريان فان ليوفن و اندرى فيرى، دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۲م؛ **المعالم الاثيرة**: محمد محمد حسن شراب، بيروت، دار القلم، ۱۴۱۱ق؛ **المعجم الاوسط**: الطبرانی (م. ۳۶۰ق.)، قاهره، دار الحرمين، ۱۴۱۵ق؛ **معجم البلدان**: ياقوت الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ **معجم ما استعجم**: عبدالله البكري (م. ۴۸۷ق.)، به كوشش مصطفی السقاء، بيروت، عالم الكتاب، ۱۴۰۳ق.

سيد محمد معلمی



## الاحاديث الواردة في فضائل

**المدينة**: كتابی مشتمل بر حديث هايی در

ویژگی ها و فضیلت های شهر مدینه، تألیف

صالح الرفاعی

صالح بن حامد بن سعید رفاعی از محققان معاصر اهل سنت و دانش آموخته دانشگاه اسلامی مدینه منوره است. این کتاب دانشنامه دکترى وی است که در سال ۱۴۱۱ق. با درجه ممتاز پذیرفته و از سوی همین دانشگاه منتشر شده است. مؤلف دارای اثری دیگر در

(م. ۲۴۸ق.)، به كوشش رشدى الصالح، مکه، مكتبة الثقافة، ۱۴۱۵ق؛ **الاستبصار في عجائب الامصار**: نویسنده ای مراکشى (م. قرن ۶ق.)، بغداد، دار الشئون الثقافیه، ۱۹۸۶م؛ **امتاع الاسماع**: المقريزى (م. ۸۴۵ق.)، به كوشش محمد عبدالحميد، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۲۰ق؛ **البداية و النهايه**: ابن كثير (م. ۷۷۴ق.)، بيروت، مكتبة المعارف؛ **تاريخ ابن خلدون**: ابن خلدون (م. ۸۰۸ق.)، به كوشش خليل شحاده، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۸ق؛ **تاريخ الاسلام و فيات المشاهير**: الذهبي (م. ۷۴۸ق.)، به كوشش عمر عبدالسلام، بيروت، دار الكتاب العربى، ۱۴۱۰ق؛ **تاريخ مكة**: احمد السباعى، مطبوعات نادى مكة الثقافى، ۱۴۰۴ق؛ **تاريخ اليعقوبى**: احمد بن يعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ **تفسير ابوالسعود** (ارشاد العقل السليم): ابوالسعود (م. ۹۸۲ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۱۱ق؛ **التنبيه و الاشراف**: المسعودى (م. ۳۴۵ق.)، بيروت، دار صعب؛ **حسن المحاضرة في اخبار مصر و القاهره**: السيوطى (م. ۹۱۱ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۸ق؛ **دلائل النبوه**: البيهقى (م. ۴۵۸ق.)، به كوشش عبدالمعطى، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۰۵ق؛ **الروض المعطار**: محمد بن عبدالمنعم الحميرى (م. ۹۰۰ق.)، بيروت، مكتبة بيروت، ۱۹۸۴م؛ **رحلة ابن بطوطه**: ابن بطوطه (م. ۷۷۹ق.)، الرباط، أكاديمية المملكة المغربية، ۱۴۱۷ق؛ **سبل الهدى**: محمد بن يوسف الصالحى (م. ۹۴۲ق.)، به كوشش عادل احمد و على محمد، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۴ق؛ **السيرة الحلبيه**: الحلبى (م. ۱۰۴۴ق.)، بيروت، دار المعرفة، ۱۴۰۰ق؛ **السيرة النبويه**: ابن هشام (م. ۸-۱۳ق.)، به كوشش السقاء و ديگران، بيروت، المكتبة العلميه؛ **شفاء الغرام**:

موضوع حدیث با نام *الثقات الذین ضعفوا فی بعض شیوخهم* (دار الخضیری، مدینه، ۱۴۱۸ق.) است.

رفاعی با تألیف این کتاب کوشیده است اثری جامع تر در موضوع فضیلت‌های مدینه نسبت به آثار پیشین همانند *فضائل المدینه* تألیف ابوسعید مفضل جندی (م. ۳۰۸ق.) و *اربعون حدیثاً فی فضائل المدینه* اثر محمد بن احمد خصاصی الشاذلی (م. ۱۱۰۷ق.) پدید آورد. او تنها به گزارش حدیث بسنده نکرده و به تحلیل سندی و متنی آن‌ها نیز پرداخته است. (برای نمونه: ص ۵۹۰-۵۹۳) رفاعی معتقد است که حتی در روایت‌های فضیلت نیز نمی‌توان به حدیث‌های ضعیف استناد کرد. (ص ۲۸) وی در تحلیل‌های سندی و رجالی بیشتر از ناصر الدین البانی اثر پذیرفته (برای نمونه: ص ۴۳۶، ۴۴۲-۴۴۴) و در تحلیل متن روایت‌ها از دیدگاه ابن تیمیه\* متأثر است. (برای نمونه: ص ۳۴۲، ۵۸۵)

رفاعی حدیث‌های کتاب را از منابع حدیثی گوناگون، از جمله *مسند ابی داود سلیمان بن داود الطیالسی*، *مسند ابی بکر*، *مسند امام احمد حنبل*، *مسند ابی یعلی موصلی*، *معجم کبیر و معجم صغیر طبرانی*، و برخی کتب تاریخ مدینه مانند *تاریخ المدینه ابن شبّه*، *الدرة الثمینیة فی اخبار المدینه ابن نجار و وفاء الوفاء* سمهودی برآورده (ص ۱۴) و در روایت‌های

طولانی، تنها بخش مرتبط با مدینه منوره را آورده و در هر باب نخست روایت‌های صحیح و سپس روایت‌های ضعیف را یاد کرده است. این کتاب حاوی ۳۷۵ حدیث نامکرر است که مؤلف ۱۳۳ حدیث را صحیح و حسن و ۱۹۳ حدیث را ضعیف و ۴۹ حدیث را ساختگی دانسته است. (ص ۶۶۴)

کتاب در قالب مقدمه، سه باب و خاتمه تدوین یافته است. مؤلف در مقدمه با بیان همیشگی بودن فضیلت‌های مدینه منوره، اختصاص برخی از آن‌ها به زمانی معین را رد (ص ۳۰) و با بررسی برخی نام‌های این شهر، حدود جغرافیایی آن را معین کرده است. (ص ۳۳-۴۲)

باب اول در نه فصل به ویژگی‌های شهر مدینه می‌پردازد. برخی از مباحث این باب عبارتند از: جایگاه معنوی و حرم بودن مدینه، ایمنی آن از تب و طاعون و فتنه دجال (ص ۱۲۰، ۴۷، ۱۸۰-۱۸۱، ۱۸۶)، فضیلت اقامت در این شهر و تحمل مشکلات آن، شفاعت پیامبر ﷺ برای مردم مدینه و دعای ایشان برای برکت یافتن این شهر (ص ۲۱۵-۲۱۶) و فراوانی روزی در آن (ص ۲۱۷)، فضیلت کسانی که در آن وفات می‌یابند (ص ۲۶۴-۲۸۴) و در امان بودن ایشان از هراس‌های روز قیامت (ص ۲۷۱)، ناامیدی شیطان از ورود شرک به مدینه بر اثر ظهور اسلام (ص ۳۴۸)،

که دوری مسافت، کوه‌ها و موانع دیگر مانع شده باشند، کعبه را از این مکان دیده است. (ص ۵۱۶-۵۱۷) او با ذکر روایات شد الرحال\* که بیانگر انحصار جواز مسافرت به سوی سه مسجد (مسجد النبی، مسجد الحرام و مسجد الاقصی) هستند (ص ۴۳۹-۴۵۵)، روایت‌های دلالت‌گر بر فضیلت قصد سفر برای زیارت مرقد نبوی (ص ۵۸۳-۵۹۵) را ضعیف شمرده و با تمسک به سخن ابن تیمیه و امثال وی، این کار را مشروع نمی‌داند. البته در نظر او، زیارت برای کسی که با نیتی دیگر به مسجد نبوی آید، صالح و مستحب است. (ص ۵۹۵) با این حال، حدیث‌های گوناگون و معتبری را درباره زیارت بقیع از جانب پیامبر ﷺ و دعای ایشان برای اهل بقیع گزارش کرده است. (ص ۵۹۶-۶۱۴)

باب سوم کتاب در فضیلت دیگر مکان‌های مقدس شهر مدینه است و موضوعاتی همچون مسجد قبا و بنای آن بر پایه تقوا (ص ۵۲۳-۵۳۹)، برابری ثواب نماز در آن با عمره (ص ۵۳۲، ۵۴۱) و توجه ویژه پیامبر ﷺ به این مسجد (ص ۵۵۲) را در بر دارد. درباره وادی عقیق و بطحان و فضیلت آن‌ها روایت‌هایی در کتاب آمده (ص ۶۲۳-۶۳۳) و سپس چند روایت در فضیلت خاک مدینه و خاصیت شفا بخشی آن یاد شده که مؤلف آن‌ها را ضعیف و مردود شمرده (ص ۶۳۴-۶۴۲)؛ ولی

منع ظلم به مدینه و مردم آن و نفرین ظالمان بر مدینه. (ص ۲۵۱-۲۵۳)

مؤلف برخی روایت‌ها درباره آفرینش پیامبر گرامی ﷺ را یاد و رد می‌کند که بر پایه آن‌ها، پیامبر گرامی ﷺ از همان خاکی آفریده شده که در آن دفن گشته است. (ص ۳۴۱-۳۴۲) در گفتار پیرامون مقایسه فضیلت مدینه و مکه، مؤلف بیشتر روایت‌ها در فضیلت شهرها را ساختگی می‌داند (ص ۳۴۹-۳۶۴) و تنها صحت روایتی از پیامبر گرامی ﷺ را می‌پذیرد که بر پایه آن، هنگام خروج از مکه، آن‌جا را بهترین و محبوب‌ترین زمین نزد خداوند خواند. (ص ۳۲۵)

باب دوم کتاب در شش فصل به فضیلت مسجد نبوی پرداخته و مباحثی از این دست را پیش کشیده است: بنای مسجد نبوی بر پایه تقوا (ص ۳۶۷-۳۷۳)، فضل و ثواب نماز در آن (ص ۴۰۰)، جواز اعتکاف در آن (ص ۵۰۹)، دوری نمازگزارانش از آتش دوزخ (ص ۴۳۵-۴۳۶)، برابری نماز در این مسجد با حج (ص ۴۳۷-۴۳۸)، همسنگ بودن تعلیم و تعلم در آن با جهاد (ص ۴۳۸، ۵۱۰، ۵۱۲)، و سنگین بودن گناه و سوگند دروغ در آن. (ص ۴۹۹-۵۰۳)

مؤلف، قبله مسجد النبی ﷺ را موازی کعبه می‌داند؛ اما آن دسته روایت‌ها را سست و ضعیف می‌شمرد که پیامبر گرامی ﷺ بی آن

روایت های گوناگون در شفا بخشی خرمای عَجْوَه\* مدینه و بهستی بودن آن را گزارش کرده و صحیح خوانده است. (ص ۶۵۱)

کتاب الاحادیث الواردة تا کنون سه بار در انتشارات دانشگاه اسلامی مدینه منوره، مُجَمَّع ملک فهد و دار الخضیری چاپ شده است. مؤلف در سال ۱۴۲۷ق. با حذف حدیث های ضعیف و افزودن دیدگاه برخی از دانشوران درباره شهر مدینه، تلخیصی از کتاب را نیز با عنوان الاحادیث الصحیحة فی فضائل المدینه منتشر کرده است.

ابوذر جعفری



### أخبار: دانشوران یهود

أخبار جمع «حبر» است<sup>۱</sup> که برخی آن را به کسر حاء<sup>۲</sup> و بعضی به فتح آن قرائت کرده<sup>۳</sup> و گاه نیز هر دو وجه را صحیح دانسته اند.<sup>۴</sup> حبر به معنای مُرْكَب<sup>۵</sup>، زیبایی<sup>۶</sup>، اثر، و اثر نیکو<sup>۷</sup>

حبر به همان معانی، جز مُرْكَب، آمده است.<sup>۸</sup> برخی این واژه را غیر عربی و برگرفته از کلمه عبری «حابر» به معنای جادوگری و تمرین سحر یا «حبار» به معنای ساحر و کاهن دانسته اند. آمدن ریشه حبر به معنای سحر در زبان عبری و رواج کهنانت و سحر از زمان های گذشته در میان دانشوران یهود، مؤید این نظر معرفی شده است.<sup>۹</sup> افرادی مانند گایگر (Geiger)، فن کریمر (Von Kremer) و آرتور جفری (Arthur Jeffery) آن را برگرفته از واژه ای عبری به معنای معلم دانسته اند که در نوشته های ربانیان یهود به مثابه يك عنوان و لقب افتخاری به کار می رفته است.<sup>۱۰</sup>

حبر در اصطلاح به دانشوران دینی اهل کتاب، به ویژه دانشوران یهود، هر چند که بعدها مسلمان شده باشند، گفته می شود.<sup>۱۱</sup> البته کاربرد آن درباره دانشوران یهود که از فرزندان هارون عليه السلام هستند، رایج گشته است.<sup>۱۲</sup> عبدالله بن عباس<sup>\*</sup> نیز به سبب داشتن بهره فراوان از حدیث، فقه و تفسیر قرآن با عنوان «حبر هذه الأمة» خوانده شده است.<sup>۱۳</sup> احتمالاً

۱. لسان العرب، ج ۴، ص ۱۵۷، «حبر».  
 ۲. لسان العرب، ج ۴، ص ۱۵۷؛ مختار الصحاح، ص ۷۱، «حبر».  
 ۳. الصحاح، ج ۲، ص ۶۲۰؛ تاج العروس، ج ۶، ص ۲۲۹، «حبر».  
 ۴. التفسیر الکبیر، ج ۶، ص ۳۷؛ التحقیق، ج ۲، ص ۱۵۴، «حبر».  
 ۵. العین، ج ۳، ص ۲۱۸؛ لسان العرب، ج ۴، ص ۱۵۷؛ القاموس المحيط، ج ۲، ص ۲، «حبر».  
 ۶. معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۱۲۷، «حبر».  
 ۷. الصحاح، ج ۲، ص ۶۱۹؛ القاموس المحيط، ج ۲، ص ۲.

۸. القاموس المحيط، ج ۲، ص ۲.  
 ۹. التحقیق، ج ۲، ص ۱۵۵.  
 ۱۰. واژه های دخیل، ص ۱۰۵-۱۰۶، «حبار».  
 ۱۱. العین، ج ۳، ص ۲۱۸؛ التفسیر الکبیر، ج ۱۶، ص ۳۷.  
 ۱۲. قس: الصحاح، ج ۲، ص ۶۲۰؛ التفسیر الکبیر، ج ۱۶، ص ۳۷.  
 ۱۳. سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۳۱؛ الوافی بالوفیات، ج ۱۷، ص ۱۲۲؛ عمدة القاری، ج ۱۳، ص ۲۶۰.